

## حفظ هویت ملی و مذهبی جوانان با تأکید بر آموزه‌های امام خمینی (ره)

مهین آتش‌بهار<sup>۱</sup>

### چکیده

در این مقاله، نویسنده با مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای درصدد است، با تعریف مفهوم «خود»، «هویت»، «شخصیت» و شناسایی عوامل مؤثر در ایجاد و تثبیت آن‌ها بیان کند که چگونه رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) با استفاده از عوامل و روش‌های تأثیرگذار توانسته است در تربیت و هدایت جوانان مستقل و دارای هویت ملی و مذهبی گام برداشته و مقوم تربیت مذهبی‌ای باشد که از خانه آغاز شده، در مدرسه و اجتماع استمرار یافته و طی مراحل رشد در نوجوانی و جوانی تثبیت شده است؛ تا جایی که او را به مقابله با استثمارگران، استعمارگران و مستبدین تاریخ وادار می‌سازد و انقلاب و تداوم آن را در برابر سلطه بیگانه تضمین می‌نماید.

واژگان کلیدی: هویت مذهبی، ملی، جوانان، امام خمینی، هدایت، شخصیت، فرهنگ

### مقدمه

جوان امروز، جوانی است که لحظه به لحظه در معرض بمباران اطلاعاتی و تبلیغی وسیعی است که از سوی رسانه‌های مختلف، ماهواره، اینترنت، نشریات و سایر وسایل ارتباط جمعی به سوی او گسیل می‌گردد. در عصر کنونی بسیار دشوار است جوان از این هجوم بی‌وقفه در امان مانده و به سلامت، قامت راست نماید. در واقع به جوانی که با تکیه بر اصول با حفظ هویت مذهبی و ملی بتواند از تبعات شوم و آثار منفی این هجوم‌ها دور مانده و یا گاه حتی جسورانه به مقابله آن‌ها برخیزد باید هزاران آفرین گفت.

اما اکنون سؤال این است که او برای این برون‌رفت و به عبارتی رستگاری، چگونه تجهیز شده است؟ از چه تربیت و چه آگاهی‌هایی او را برخوردار کرده‌ایم و چه الگوهای رفتاری را در ذهن و عمل او ترسیم نموده‌ایم؟ این مسئله‌ای است که پیام‌آوران راستین و رهبران حقیقی جامعه چون امام خمینی (ره) در گفتار و زندگی عملی خود بر آن‌ها تأکید نموده و به آن توصیه نموده‌اند. بدیهی است بخش عظیمی از تربیت نسل نوجوان و جوان کنونی از نهاد خانواده، در مرحله پیش از جنینی، جنینی و کودکی آغاز شده است و در خانه، مدرسه و اجتماع استمرار می‌یابد و به تدریج برخی تباه و بعضی تثبیت و توسعه می‌یابد.

۱- کارشناسی ارشد مدیریت امور فرهنگی و عضو هیأت‌علمی جهاددانشگاهی واحد صنعتی اصفهان

بنابراین به نسبت و به میزان وجود تضاد و تقابل آموزه‌های خانه و مدرسه، بخشی از آموخته‌های او می‌تواند دچار تشتت و ناپودی گردد، و بخشی که باثبات می‌ماند، همان بخشی است که از کم‌ترین تضاد و تقابل برخوردار بوده و مقوم یکدیگر بوده‌اند.

سرانجام خمیره اصلی هویت جوان در مراحل بعدی حیات و رشد، یعنی نوجوانی و جوانی، شکل گرفته و هویت و استقلال او را سازمان می‌دهد. ثمره این انباشتگی آموزه‌های تربیتی، تنها نیروی بالقوه‌ای است که سلاح جوان را در مقابله با فرهنگ غیرخودی و بیگانه و یا به عبارتی جنبه‌های منفی سایر فرهنگ‌ها تشکیل می‌دهد؛ هر چند خود ایجاد و ثبات اراده نیز که حاصل تعلیم و تربیت است، بخشی از روش‌های هویت‌سازی و شخصیت‌پروری نیز می‌باشد.

### نقش گروه‌های مرجع

از بین گروه‌های مرجع متعدد و مختلف، با وجود تأثیر بسیار زیاد گروه همسالان و سپس رسانه‌ها خصوصاً رسانه‌های بین‌المللی، می‌بایست نقش اسوه‌ها و بزرگان ملی و مذهبی را در نظر داشته و تقویت نمود. این ممکن و میسر نمی‌گردد مگر با آموزه‌های عملی و اخلاقی آنها و نه صرفاً قول و شعار. اما گذشته از آن بخش، تعالیمی نیز از طریق ثقل اکبر و ثقل کبیر می‌تواند انتقال یابد. بزرگان و مسئولان معاصر هم، زمانی می‌توانند مروج و مبلغ تعالیم پیامبران و ائمه معصومین (ع) باشند که خود نیز تار و پود حیات دنیوی‌شان به لحاظ رفتاری با آموزه‌های آنها عجین شده باشد.

باید اذعان داشت، جوان عصر کنونی آن‌قدر زیرک است که به خوبی عامل بودن را تشخیص می‌دهد و زیر بار سخن یاوه و سطحی کارگزاران نمی‌رود. او می‌اندیشد، پیرامونش را می‌کاود و در جزئیات زندگی ناصحان کندوکاو می‌کند تا عمق اندیشه آنها را دریابد. اما زمانی که دریافت، دل می‌بندد، مرید می‌شود و از عمق جان می‌پذیرد و به کار می‌بندد و این‌گونه است که «خود» و «هویت» او شکل می‌گیرد.

### تعاریف «هویت»، «خود» و «خودانگاره»

واژه هویت همان identity است، این واژه ریشه در زبان لاتین دارد (identitas) که از «iden» یعنی «مشابه و یکسان» ریشه می‌گیرد و دارای دو معنای اصلی است: اولین معنای آن بیانگر مفهوم «تشابه مطلق» است. معنای دوم آن «تمایز» است. مفهوم «هویت» به طور همزمان میان افراد یا اشیاء دو نسبت محتمل برقرار می‌سازد: از یک طرف، شباهت، و از طرف دیگر، تفاوت. موضوع را که بیش‌تر بکاریم، درمی‌یابیم که فعل «شناسایی» به ضرورت لازمه هویت است. این به فهرست، دو مفهوم دیگر اضافه می‌کند: «طبقه‌بندی کردن اشیاء و افراد، و مرتبط کردن خود با چیزی یا کسی دیگر. این نکته را باید یادآوری نمود که «پیوند اجتماعی» برای هویت همواره می‌تواند این حس را داشته باشد که هم از کاربرد معاصر آن پیروی کرده باشیم و هم این‌که دارای معنایی اعم است و هر نوع هویت انسانی از جمله هویت مذهبی و فرهنگی را در بر می‌گیرد» (ریچارد جنگینز).

بیش تر روان‌شناسان و نظریه‌پردازان شخصیت، «هویت» را در درجه اول امری فردی و شخصی می‌دانند و معتقدند که معنا و جنبه اصلی «هویت»، به ویژگی‌های شخصی و احساس فرد برمی‌گردد. البته اغلب این نظریه‌پردازان، «هویت اجتماعی» را هم انکار نمی‌کنند. بلکه این دو هویت را متمایز و مستقل از یکدیگر قلمداد می‌کنند. به هر حال از این دیدگاه «هویت» عبارت است از «احساس تمایز شخص، احساس تداوم شخص و احساس استقلال شخصی. ولی جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی بر این نکته به عنوان یک واقعیت، تأکید دارند که «احساس هویت» به واسطه دیالکتیک میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد. آنها کم و بیش می‌پذیرند که «هویت» معمولاً در نگرش‌ها و احساسات فرد نمود می‌یابد؛ ولی بستر شکل‌گیری آن زندگی جمعی است» (امانوئل کاسفلز).

و اما «خود»<sup>۱</sup>، آن بخش از شخصیت فرد است که وی نسبت به آن آگاهی دارد؛ و «خودانگاره»<sup>۲</sup>، عبارت است از درک و ارزشیابی آگاهانه فرد از خویش، افکار و باورهایی که درباره خود دارد ( , way ment , zetlin, 1989). «خودانگاره» را به عنوان «هویت فرض شده خود»<sup>۳</sup> به حساب آورده‌اند و اریکسون آن را «هویت من»<sup>۴</sup> یا فردیت با دوام و دریافت شده توسط خود فرد نامیده‌اند.

«اولین گام در رشد "خودانگاره" در اوایل کودکی برداشته می‌شود؛ زمانی که فرد خود را موجودی جدا و متمایز از دیگران تشخیص می‌دهد. رشد این آگاهی در سال‌های بعد باعث می‌شود که او هنگامی که درباره خود می‌اندیشد، بداند که از نظر ویژگی‌های جسمی، توانایی‌ها و مهارت‌ها، خلق و خو، جنسیت و موقعیت اجتماعی چه کسی است. این در واقع نظامی از نگرش‌ها درباره خود و مجموعه‌ای از تعاریف یا خودپنداره<sup>۵</sup> درباره خویشتن است» (هارتر، ۱۹۹۰).

در دوره نوجوانی افراد سعی می‌کنند، شواهدی پیدا کنند که خودانگاره آنان را به خودشان نشان دهد. وقتی که نوجوان از خود می‌پرسد، آیا من آدم باهوشی هستم؟ در واقع سعی می‌کند که از خود درک و دریافتی به دست آورد و احساسات و باورهای خود را در تجارب آتی کامل‌تر کند. همچنین تلاش می‌کند خودآرمانی<sup>۶</sup> خویش را با دیگران مقایسه کند.

### انواع "خود" و "خودانگاره"

عموماً افراد دارای شش نوع «خود» هستند:

- ۱- آن‌طور که هستند.
- ۲- آن‌طور که فکر می‌کنند هستند.
- ۳- آن‌طور که تمایل دارند باشند.
- ۴- آن‌طور که دیگران درباره آنها فکر می‌کنند.

1 - self

2 - self-concept

3 - self-hypothesized identity

4 - ego identity

5 - self-image

6 - ideal self

۵- آن‌طور که تفکر دیگران را درباره خود به نظر می‌آورند.

۶- آن‌طور که فکر می‌کنند، دیگران از آنان می‌خواهند که چنان باشند.

بنابراین اشکال «خود» گوناگون است و همیشه چنان نیست که شخص او فکر می‌کند. به بیان دیگر، خودانگاره فرد ممکن است از خود واقعی او فاصله کم یا زیاد داشته باشد. بسیار مهم است که افراد خودانگاره صحیحی داشته باشند (یعنی خودانگاره آنان به خود واقعی آنها نزدیک باشد) تا بتوانند در خود تغییرات مناسبی ایجاد کنند. واقعیت این است که هم خودانگاره و هم عزت نفس و هم هویت فرد، همیشه و به خصوص در نوجوانی در حال تغییر و گسترش است. مسلماً شخصیت دارای جنبه‌های نسبتاً ثابتی نیز هست؛ اما این به معنای تغییر نیافتن آن نیست.

در هسته این تغییرات شخصیت، تغییر در «خود» فرد است و خود فرد دارای یک جنبه عمومی با یک خودانگاره پایه<sup>۱</sup>، یک خودانگاره موقت و انتقالی<sup>۲</sup>، یک خودانگاره اجتماعی<sup>۳</sup> و یک خودانگاره آرمانی<sup>۴</sup> است (هارتر و همکاران، ۱۹۹۶؛ به نقل از استرانگ، ۱۹۵۷).

- خودانگاره پایه، در نوجوانان همان درک و دریافتی است که آنان درباره شخصیت خود و توانایی‌ها و موقعیت و نقش‌هایی دارند که در عالم واقعی ایفا می‌کنند.

- خودانگاره موقت و انتقالی، در ارتباط با حالتی است که نوجوان در یک لحظه معین و یا در برخورد با یک موضوع و تجربه خاص دارد.

- خودانگاره اجتماعی یا خود اجتماعی، احساس نوجوان درباره قضاوتی است که دیگران درباره او می‌کنند و بر خودانگاره وی تأثیر می‌گذارد.

- خودانگاره آرمانی یا خود ایده‌آل، یعنی آرزویی که نوجوان درباره خود و موقعیت خویش دارد و ممکن است واقع‌بینانه باشد و یا نباشد.

### نقش امام خمینی (ره) در ایجاد خودانگاره مثبت

ائمه معصومین (ع) با کلمات قصار و تشویق جوانان، از طریق تأثیر در ساخت و تربیت خودانگاره‌های پایه، بر خودانگاره‌های اجتماعی او نیز تأثیر می‌گذارند؛ بدین صورت که برای مثال با تشویق به قرائت قرآن و دریافت آموزه‌های آن، بر نوع آگاهی‌ها و تجربیات او تأثیر گذاشته تا به او معرفتی الهی از خود و جامعه بدهند.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

«من قرء القرآن و هو شاب مؤمن، اختلط القرآن بلحمه و دمه.»

«کسی که قرآن را در جوانی بخواند، قرآن با گوشت و خونسش مختلط شود.» (اصول کافی، ج ۴، ص ۴۰۵).

1 - basic self - concept

2 - temporary or transitory self - concept

3 - social self - concept

4 - ideal self - concept

امام خمینی (ره) برای ساخت و تربیت جوانان با هویت مذهبی، ضمن خطاب نمودن آنها و تأکید بر ویژگی‌های مثبت چون فعال بودن و تلاشگر بودن، آنها را به درک تعالیم اسلامی برای مقابله با فرهنگ غیرخودی و مجهز شدن به سلاح تحقیق و مطالعه و کسب هویت اسلامی دعوت می‌کند:

«مجاهدات و کوشش‌های خستگی‌ناپذیر شما جوانان روشن ضمیر مسلمان، در راه درک صحیح اسلام و شناسایی حقیقت قرآن کریم، موجب امیدواری و خرسندی مسلمانان بیدار است... بر شما جوانان مسلمان لازم است که در تحقیق و بررسی حقایق اسلام در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره، اصالت‌های اسلامی را در نظر گرفته و امتیازاتی که اسلام را از همه مکاتب دیگر جدا می‌سازد، فراموش نکنید. مبدا قرآن مقدس و آیین نجات‌بخش اسلام را با مکتب‌های غلط و منحرف‌کننده‌ای که از فکر بشر تراوش کرده است خلط نمایید (صحیفه امام، ج ۲، ص ۴۳۷-۴۳۸).

امام خمینی (ره) برای ایجاد خودنگاره مثبت با تکیه بر هویت مذهبی و ملی، توجه جوانان را به کسب آموزه‌های قرآنی و بار گرفتن از این سرچشمه الهی می‌خواند و نیروی شجاعت را در آنها تقویت نموده و بر جنبه‌هایی چون حیثیت و شرافت تکیه کرده و آنها را به دفاع و مقاومت و جهاد تهییج می‌نماید و به این طریق هویت دینی و ملی را در آنها تقویت و تثبیت می‌کند.

یا در جایی دیگر ایشان جوانان را سرمایه‌های امیدبخش کشورها می‌دانند: «جوانان متعهد در طول تاریخ و خصوص دانشجویان مسلمان در نسل حاضر و در نسل‌های آینده سرمایه‌های امیدبخش اسلام و کشورهای اسلامی هستند. اینانند که با تعهد و سلاح و استقامت و پایداری می‌توانند کشتی نجات امت اسلامی و کشورهای خود باشند. و این عزیزانند که استقلال و آزادی و ترقی و تعالی ملت‌ها مرهون زحمات آنان است و اینانند که هدف اصلی استعمار و استثمارگران جهانند و هر قطبی در صدد صید آنان است، و با صید آنان است که ملت‌ها و کشورها به تباهی و استضعاف کشیده می‌شوند» (۶۰/۷/۱۲)، پیام به انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا؛ صحیفه امام، جلد ۱۵، ص ۳۴۷.

«آن‌گاه که منطوق قرآن آن است که ما از خداییم و به سوی او می‌رویم و مسیر اسلام بر شهادت در راه هدف است و اولیاء خدا علیهم‌السلام شهادت را یکی از دیگری به ارث می‌بردند و جوانان متعهد ما برای نیل شهادت در راه خدا درخواست دعا می‌کرده و می‌کنند، بدخواهان ما که از همه جا وامانده، دست به ترور و حشیانه می‌زنند، ما را از چه می‌ترسانند؟» (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۲۰).

«جوانان عزیزم که چشم امید من به شماست! [استفاده از کلمات محبت‌آمیز برای نزدیکی ناصح و منصح، و سپس تکیه بر توانایی‌های آنها که باعث امیدواری رهبرند].

با یک دست قرآن را و با دست دیگر سلاح را بگیرید و چنان از حیثیت و شرافت خود دفاع کنید که قدرت تفکر توطئه علیه خود را از آنان سلب نمایید. چنان با دوستانتان رحیم باشید که از ایثار هر چه دارید نسبت به آنان کوتاهی ننمایید. آگاه باشید که جهان امروز دنیای مستضعفین است و دیر یا زود پیروزی از آنان است و آنان وارثین زمین و حکومت‌کنندگان خدایند.» (همان، ج ۱۲، ص ۲۰۳).

در فرمایش فوق، علاوه بر تکیه بر دو سلاح علم و عمل (قرآن و جهاد) و استفاده از کلمات محبت‌آمیز برای تأثیر حداکثر، به شاخصه‌های انگیزشی چون «دفاع از حیثیت و شرافت»، «عطوفت و رحیم بودن در جمع دوستان» و «پیروزی نهایی مستضعفین» اشاره کرده و به تربیت جوانان برای پیروزی و تضمین بقاء انقلاب اسلامی کمک می‌کند.

### روش تربیتی امام (ره) در برخورد با جوانان

امام در جای دیگر به جوانان به عنوان سرمایه‌ها و ذخیره‌های عظیم الهی اشاره می‌کند و با ارزش دادن، آنها را به سوی مبارزه علمی و عملی برای اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده و تشویق به آموختن همیشگی و کسب ارزش‌ها و معنویات از گروه مرجع، یعنی روحانیت و علمای متعهد اسلام می‌کند:

«من در این‌جا به جوانان عزیز کشورمان به این سرمایه‌ها و ذخیره‌های عظیم الهی و به این گل‌های معطر و نوشکفته جهان اسلام، سفارش می‌کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ، تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید...»

نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه‌ام به جوانان عرض می‌کنم، این است که در مسیر ارزش‌ها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید و هیچ‌گاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی‌نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۶-۹۷)

مخاطب اصلی بسیاری از بیانات رهبر کبیر انقلاب جوانان هستند؛ چرا که آن‌ها سرمایه‌های گرانبها، و آینده این امت‌اند. اما انتظارات امام (ره) نیز از آنها با توجه به شرایط و فرصت‌های آنها و با ترسیم مسیر و اهداف آنهاست که بدین صورت خلاصه می‌گردد:

۱- مخاطب: جوانان

۲- شرایط و فرصت‌ها: لحظات شیرین و استفاده از انرژی جوانی و وجود علمای متعهد اسلام

۳- مسیر: مبارزه علمی و عملی بزرگ و کسب دائمی معارف، ارزش‌ها و معنویت

۴- اهداف: رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی

بنابراین در سخنان امام (ره) غالباً مخاطب، ابزارها و روش‌ها، توجه به شرایط و مشخص بودن اهداف، قابل شناسایی و ترسیم است. در واقع یکی از عوامل مؤثر در افزایش تأثیر پیام، کامل بودن پیام از جنبه‌های مختلف مانند: مخاطب، موضوع و روش‌هاست که امام (ره) با دقت نظر به آن‌ها توجه داشته است. برای مثال در پیام فوق بر عواملی چون مخاطب، شرایط و فرصت‌ها، مسیر و هدف به طریقی که ذکر آن رفت، دقت نظر داشته است.

امام خمینی (ره) ضمن این‌که به استفاده از سلاح قرآن و کسب معارف الهی از سوی جوانان برای دور ماندن از «خودانگاره‌های منفی» و یا حرکت به سوی منافقان و بیگانگان و افتادن در دام آنها اشاره دارد، به آنها هشدار می‌دهد که دشمنان نیز از همین سلاح‌ها ممکن است استفاده نموده و شما را با این ترفندها به دام اندازند. یعنی به عبارتی از باورها و اعتقادات خود آنها علیه دشمنان بهره می‌گیرند و بر خودانگاره‌های پایه و اجتماعی جوانان تأثیر می‌گذارند؛ در این راستا به نقاط ضعف معرفتی آن‌ها اشاره می‌کند.

«جوانان عزیز دبیرستانی و دانشگاهی توجه کنند که سران و سردمداران گروه‌ها که می‌خواهند با اسم اسلام پایه‌های آن را سست کنند و جوانان را به دام اندازند، هیچ اطلاعی از اسلام و اهداف قوانین آن ندارند و با خواندن چند آیه از قرآن و چند جمله از نهج‌البلاغه و تفسیرهای جاهلانه و غلط نمی‌شود اسلام‌شناس شد. اینان با تفسیر انحرافی چند جمله و چند آیه، آیات و جملات صریح را که مخالفت واضح با مرام انحرافی و التقاطی آنان دارد انکار می‌نمایند و در حقیقت تمسک به قرآن و نهج‌البلاغه، برای کوبیدن اسلام و قرآن است، تا راه را برای رهبران غربی و شرقی خود باز کنند و شما جوانان عزیز و سرمایه‌های کشور را بر ضد مصالح کشور خودتان بسیج نمایند.

ای جوانان عزیز! هوشیار باشید و با تفکر و تعقل، فعالیت این منافقین بلندگوی غرب و منحرفین بلندگوی شرق را بررسی نمایید... اینان از اول تاکنون، اسلام را وسیله اهداف شوم خود کرده و قرآن و نهج‌البلاغه را به بازی گرفته و جوانان پاکدل را به دام خود انداخته بودند تا جوانی‌شان را در راه اهداف استعماری آنان به تباهی کشند...

از خداوند متعال بیداری و هوشیاری هر چه بیش‌تر نسل جوان را خواستار و رشد و تعالی علمی و اخلاقی آنان را خواهانم.» (پیام حضرت امام به مناسبت آغاز سال تحصیلی سال ۱۳۶۰ شمسی، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۴۶-۲۴۷).

### امام (ره) و خودسازی جوانان

برای ساختن انسان‌هایی با هویت متعالی و پاک و ایجاد طراوت و تازگی فکر و اندیشه در جوانان و سرانجام ترسیم آینده‌ای روشن و پویا چنین سخن می‌گوید:

«جهاد اکبر، جهاد در راه سازندگی خودتان است که برای مملکت خودتان بعدها مفید واقع بشوید. خدمتگزار باشید. از همین سنین شما باید شروع بشود... اگر چنانچه شما ساختید خودتان را و فضایل انسانی را در خودتان ریشه‌دار کردید، آن وقت در همه مراحل پیروز هستید، مملکت‌تان را می‌توانید نجات بدهید.» (صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۰۰-۳۰۱).

در آموزه‌های فوق، امام به تأثیر خودسازی در کسب فضایل انسانی، و ایجاد «خود معنوی» تکیه داشته و با اعتماد به آن‌ها باورهای جوانان را نسبت به خودشان تقویت نموده و با عنوان نجاتگر بودن به آن‌ها هویت «ناجی‌گری» می‌بخشد.

در واقع همه انبیا، اوصیا و بزرگان، جوانان را برای ایجاد و تقویت شخصیتی محکم، با اراده، مستقل، و دارای هویت مذهبی، به سوی نیکی، پاکی و خودسازی و تهذیب نفس دعوت می‌کنند. برای مثال، پیامبر اکرم (ص)، با توجه به صفات برجسته جوانان چون نازک‌دلی، پاکی فطرت، حق‌طلبی و آرمان‌خواهی در گفتاری گهربار می‌فرماید:

«من به شما درباره جوانان توصیه به خیر و نیکی می‌کنم و چرا که آنان نازک‌دل و زودرنج و عاطفه‌ای بسیار دارند، زیرا فطرتشان پاک و پیراسته است. خداوند مرا به پیامبری و بشارت و انذار برانگیخت، جوانان به

من گرویدند و یاری‌ام کردند، (اما) بزرگسالان و پیران به مخالفت با من برخاستند» (سفینه‌البحار، مرحوم محدث قمی، ج ۲، ص ۱۷۶).

امام (ره) نیز در نامه عارفانه‌اش به خانم فاطمه طباطبایی با اشاره به این ویژگی شایسته در جوانان و دوره جوانی، به تقویت اراده جوانان در برخورد با شیاطین و کسب فضائل اخلاقی توصیه دارد. در همه این آموزه‌ها اشاره به نکات و صفات مثبت این گروه به چشم می‌خورد.

«تا جوانی در دست تو است، کوشش کن در عمل و در تهذیب قلب و در شکستن اقبال و رفع حُجب، که هزاران جوان که به افق ملکوت نزدیک‌ترند، موفق می‌شوند و یک پیر موفق نمی‌شود. قیدوبندها و اقبال شیطانی اگر در جوانی، غفلت از آن‌ها شود، هر روز که از عمر بگذرد ریشه‌دارتر و قوی‌تر شوند... از مکاید بزرگ شیطان و نفس خطرناک‌تر از آن، آن است که به انسان وعده اصلاح در آخر عمر و زمان پیری می‌دهد و تهذیب و توبه‌الی‌الله را به تعویق می‌اندازد برای زمانی که درخت فساد و شجره زقوم، قوی شده و اراده و قیام به تهذیب، ضعیف بلکه مرده است» (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۴۶-۴۴۷).

### امام خمینی (ره) والاترین روان‌شناس

حضرت امام (ره) دارای چنان منش و روشی در زندگانی بود که از یک سو با توجه به قدرت و جوانی مریدانش که غالباً جوانان بودند و از سوی دیگر با ارزش‌گذاری به آنها و با روش پدران و محبت‌آمیز و از سر اخلاص - به گونه‌ای که جای هیچ‌گونه شبهه‌ای را از نظر صفا و صمیمیت با این گروه نگذاشته - دل‌های آنها را بدین‌گونه تسخیر کرده و آنها را شیدای خود می‌کند؛ به گونه‌ای که آنها در مبارزه با استبداد و استکبار و تجاوزگران شجاعانه پیش می‌روند و جان خود را تقدیم اسلام و کشور می‌کنند. شاهد این مدعا این سخنان گهربار اوست:

«من به همه شما ارادت دارم، اخلاص دارم، محبت دارم، دوستی دارم، شما از خود من هستید و من هم از خود شما. ان‌شاءالله موفق باشید، مؤید باشید، جدیت کنید.

در تحصیل جدیت کنید، در یاد گرفتن معارف الهیه جدیت کنید. در این که خودتان را خوب بار بیاورید.

خدا حفظتان کند، سلامت باشید. ان‌شاءالله.» (بیانات امام (ره) در مجمع ایام، صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۸۶)

یا در جهت توجه و تکیه به جوانان برای حفظ استقلال و آینده کشور و سلامت انقلاب چنین می‌فرماید:

«من امیدوارم خدای تبارک و تعالی به شما جوان‌ها، عزت، سلامت و سعادت عنایت فرماید. من از خدای

تبارک و تعالی استقلال کشور خودمان را و آزادی خودمان را مسئلت می‌کنم. شما جوان‌ها که در این مدت

زحمت کشیدید و از حالا به بعد هم وظیفه دارید، شما ذخیره ما هستید و من خدمتگزار شما هستم» (همان،

ص ۴۴۹). «امید من به شماست که ان‌شاءالله مقدرات کشور ما، بعد از این، در دست شماها باشد و شماها

وارث این کشور باشید.» (همان، ص ۵۰۶)

«راجز» در قسمتی از نظریه‌اش خاطر نشان می‌سازد:



«آدمی نیاز دارد به این که دیگران برایش قدر و منزلتی قائل باشند و خودش را با قدر و محبت ببیند و در برخورد با قدردانی دیگران این احساس را به دست آورد که دارای ارزشی است که در نشیب و فراز زندگی، وی را یاری می‌کند.»

ملاحظه می‌کنیم امام خمینی (ره) نیز چون یک روان‌شناس خبره می‌داند که چگونه با جوان صحبت کند او را متوجه استعدادها و قدرتش کند و به او احترام گذارد و برایش منزلت قائل شود تا این احساس، موتور محرکه او برای تلاش‌های بزرگ باشد و او را در راه خودباوری و ایجاد شخصیت مثبت کمک کند.

نگاه ملکوتی امام عزیز (ره) مانند بینش رسول اکرم (ص) است که برتری جوانان سپیدسیرت و دانایی را که در ایام توانمندی‌های جسمی و روحی در بهار عمر، هوشمندانه رفتار می‌کنند، بر کسانی که پس از پیری به عبادت می‌پردازند مانند برتری پیامبران الهی نسبت به دیگران دانسته (میزان‌الحکمه، ج ۵، ص ۹) و ارتباط خالصانه آنان را با پروردگار مهربان، زمینه‌ساز پیروزی، سعادت و کامیابی جاودان آنان می‌شمرد. (بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۲۰۱).

### تواضع امام (ره) در مقابل جوانان و تکریم آنها

«رهبر ما آن طفل ۱۲ ساله‌ای است که با قلب کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بزرگتر است با نارنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید.» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۷۳).

ملاحظه می‌کنید که چگونه با ارزشگذاری به فداکاری‌های جوانان به آنها هویت می‌بخشد و آنها را قابل احترام دانسته و حتی در مقام یک رهبر قلمداد می‌کند. پس دور از انتظار خواهد بود که جوان این جمله را درک کند و در خود احساس غرور و هویت نکند یا برای ساختن شخصیتی ارزشمند با نفسی طاهر و والا به جوان یادآوری می‌کند که از فرصت‌ها و قوای جوانی‌اش استفاده کند و با این بینش او را برای «جهاد اکبر» و سپس «جهاد اصغر»، یعنی دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشورش آماده ساخته و به او «هویت ایرانی - اسلامی» می‌بخشد.

«نگذارید که قوای جوانی از دستتان برود. هر چه قوای جوانی از دست برود، ریشه‌های اخلاق فاسد، در انسان زیادتر می‌شود و مشکل‌تر، جهاد مشکل‌تر. جوان زود می‌تواند در این جهاد پیروز بشود، پیر به این زودی‌ها نمی‌تواند. نگذارید اصلاح حال خودتان از زمان جوانی به زمان پیری بیفتد.» (همان، ج ۸، ص ۳۰۰).

### امام خمینی (ره) و باور داشتن جوانان

در بسیاری از سخنان امام (ره) ایجاد مسئولیت‌پذیری در جوانان و اقشار مختلف به چشم می‌خورد که تماماً تکیه بر توجه او به حفظ استقلال و هویت ایرانی، اسلامی داشته و هشدار می‌دهد که مبادا به دام شرق و غرب گرفتار آیند.

«اکنون ای جوانان عزیز و ای دانشجویان و دانشمندان و ای امید امروز و فرداهای امت و اسلام، امانت بزرگ استقلال و آزادی که از دام دو قطب شرق و غرب، با مجاهدت و فداکاری ملت عظیم‌الشان ایران به دست آمده است، به شما عزیزان سپرده شده و مسئولیت بزرگی به عهده همه گذاشته است. همه ملت و

خصوص دانشجویان مسلمان که رهبران آینده هستند، مسئول نگهداری از این امانت بزرگ الهی می‌باشند.» (همان، ج ۱۵، ص ۳۴۷).

در بسیاری از بیانات حضرت امام (ره)، توجه و تأکید بسیاری بر استقلال و آزادی کشور از سلطه بیگانگان شرق و غرب مطرح شده و جوانان را توصیه به نیفتادن در دام شرق و غرب می‌کند. اما همواره در کنار احتراز از آن‌ها، روش‌های تربیتی و آموزشی خود را نیز مطرح می‌کند. بدیهی است بدون تربیت و توجه به نفس، پرهیز از وساوس شیطانی ممکن نخواهد بود، ایشان از طریق آموزه‌های اسلامی و ایرانی که از محیط خانواده شروع شده و در مدارس و دانشگاه‌ها توسعه و تثبیت می‌یابد، به جوان هویت، شخصیت و استقلال فکری و فرهنگی می‌بخشد، غفلت نمی‌کند و همواره به تربیت و تهذیب او پرداخته و نکات اخلاقی و تربیتی را متذکر می‌سازد.

امام (ره) علاوه بر این که خود مستقیماً با جوانان صحبت می‌کند و از عشق و عاطفه خود نسبت به آن‌ها می‌گوید و با همدلی و حفظ احترام به رشد شخصیت و تثبیت هویت در آن‌ها کمک می‌کند به گروه‌هایی که دائماً با آنها مرتبطاند مانند خانواده، معلمین و اساتید نیز، توصیه‌ها و سفارش‌های لازم را می‌کند؛ یعنی با فضاسازی و ایجاد یک بستر مناسب زمینه را برای تربیت و ایجاد هویت ملی و مذهبی آماده می‌سازد تا جوان بتواند کشور را از وابستگی نجات داده و استقلال خود و کشورش را بیمه نماید.

«از دانشگاه است که می‌تواند یک کشوری کشور مستقل باشد و از دانشگاه است که می‌تواند یک کشوری کشور وابسته باشد.» (همان، ج ۱۴، ص ۴۳۰).

«البته باید آقایان دانشجویان و علمای دانشمند دست به هم بدهند و هر چه زودتر دانشگاه‌ها را به طریقه اسلامی، به طریقه ملی، دانشگاهی که مال خود ملت باشد، دانشگاهی که مال خود ملت اسلامی باشد، زودتر باز بشود و دست اشخاصی که می‌خواهند این دانشگاه را به طرف شرق بکشند یا به طرف غرب بکشند کوتاه کنند و مقدرات دانشگاه را معلمین و اساتید اسلامی به دست بگیرند و دانشگاه یک دانشگاه ملی برای ملت باشد، نه این که زحمت را ملت بکشد و خرج دانشگاه‌ها را ملت به عهده بگیرد و یک دانشگاهی باشد که اشخاصی که از او بیرون می‌آیند یا قبله‌شان شرق باشد یا قبله‌شان غرب باشد.»

باید دانشگاه باز بشود، لکن با آن وضعی که تربیت‌های اسلامی و ملی و انسانی باشد.» (سخنرانی در جمع مسئولان دانشگاه‌ها؛ صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۳۰-۴۳۱).

اگر سخنان امام (ره) مورد پذیرش قلبی جوانان واقع می‌گردید، تنها به این خاطر بود که جوانان را باور کرده بود و جوانان این را به خوبی دریافته بودند که ایشان سوای تکیه بر قدرت لایزال الهی، تنها با اعتقاد به نیروی جوانی، قلب پاک و فکر آماده جوانان، استراتژی بلند انقلاب اسلامی خود را ترسیم نموده است.

و هنگامی که در سال ۴۲ امام خمینی (ره) را به تبعید می‌بردند، افراد ساواک از او پرسیدند: طرفداران و مدافعان شما چه کسانی هستند؟

حضرت امام (ره) فرموده بودند: یاوران من یا در کوچه‌ها مشغول بازی‌اند و یا در رحم مادرانشانند. آن روز افراد ساواک و رژیم معنی این کلام امام را نفهمیدند، تا این که سال ۵۷، پانزده ساله‌ها پیشاپیش تظاهرات، جوانمردانه سینه سپر کردند و هر روز با نثار جان خویش رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را متزلزل کردند.

به راستی این امام بود که ایمان و عشق جوانان را از سال ۴۲ باور کرده بود و می‌دانست که انقلاب اسلامی با مشت گره کرده و فریاد رعدآسای این عزیزان است که طومار مستکبران را در هم خواهد پیچید. حضرت امام (ره) برای تداوم این حرکت نیز حضور جوانان را چاره‌ساز دانست و از این رو فرمود: مملکتی که ۲۰ میلیون جوان دارد باید ۲۰ میلیون تفنگدار داشته باشد و در هشت سال دفاع مقدس نیز این باور جوانان در پرتو امام بود که معجزه آفرید. (همان، ج ۱۱، ص ۱۲۲).

### آگاهی امام (ره) از نقشه شوم دشمنان

پیشوای روشن‌بین، هوشیار و ژرف‌نگر شیعیان، امیرمؤمنان، علی (ع) که در سه دهه سخت و طاقت‌سوز غفلت و فریب اطرافیان خود توسط دشمنان، خار در چشم و تیغ در گلو داشت، درباره اغفال، بی‌خبری و فریب جوانان چنین می‌فرماید:

«هوشیاری و بیداری، نعمت خداوند، نور الهی و بصیرتی روشن‌بخش است و خواب‌آلودگی، غفلت و بی‌خبری، زیان‌بخش‌ترین دشمنان، گمراه‌گر دل و دیده‌دوستان، سرآشویی سقوط همگان و تهی‌ساز اندوخته‌های سال‌های درد و حرمان است. پروا پیشگان کسانی هستند که چون در بین غافلان حضور دارند، هوشیارند و هنگامی که با ذاکران بوده، از غفلت بیزارند. سستی و بی‌هوشی، غفلتی طولانی‌تر از سستی خمر است. جهالت اندیشه، قساوت قلب، هلاکت جان و مرگ دل، آثار غفلت است. ویژگی رسول خدا (ص) در شفای دردهای روحی آن‌ها بود که، ریشه‌های غفلت را می‌یافت و به درمان آنان می‌شتافت.» (میزان‌الحکمه، محمدی ری‌شهری، حرف غ، ص ۲۶۹-۲۵۹، غررالحکم و دررالحکم مجموعه سخنان امام علی علیه‌السلام).

رهبر کبیر انقلاب نیز در نثر و نظم خود به دام‌های دشمنان برای ایجاد غفلت و بی‌خبری و دور ماندن از فرهنگ خودی و هویت ملی - مذهبی این‌گونه می‌فرماید:

«مخالفان جمهوری اسلامی و ما و شما در داخل و خارج، دو قطب ابرقدرت جهان‌خوار و جوانان به صید کشیده‌شده آنان است. دشمن‌های بزرگ اسلام و مسلمانان با صیدهای خودشان و بازی‌خوردگان مکتبشان، شما را در خارج و کشور شما را در داخل مورد هجوم تبلیغاتی وسیع و تسلیحاتی قرار داده و می‌دهند. ما در این جا و شما در خارج باید کوشش کنیم و جوانان گول‌خورده خود را از دام این صیادان شیاد، رهایی بخشیم. این نوجوانان بی‌خبر از دام‌های گسترده بازیگران و سیاست‌بازان، آن‌چنان چشم و گوش بسته تسلیم آنان شده‌اند که تمام دروغ‌ها و تهمت‌های آنان را به مقامات جمهوری اسلامی... - بی‌چون‌وچرا - پذیرفته و خود را در راه سران دغل‌کار خود که با تباهی آنان، برای خود و مطامع غیرانسانی خود بهره می‌گیرند، فدا می‌کنند و چشم و گوش بسته، خون ملت دلاور و شجاع را در راه سران از خدا بی‌خبر و در نتیجه برای امریکای جنایتکار نثار می‌کنند.

شما جوانان عزیز هوشیار با دوستان داخل کشور خود دست‌به‌دست هم دهید و این نوباوگان بی‌خبر را ارشاد و از دام صیادان شیاد برهانید» (پیام امام رحمة‌الله‌علیه به انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا؛ صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۴۷-۳۴۸).

همچنین حضرت امام (ره) در شعری ناب این چنین سروده است:

ما را رها کنید در این رنج بی حساب      با قلب پاره‌پاره و با سینه‌ای کباب  
حالی نشد نصیبم از این رنج و زندگی      پیری رسید غرق بطالت پس از شباب  
از درس و بحث مدرسه‌ام حاصلی نشد      کی می‌توان رسید به دریا از این سراب  
هر چه فرا گرفتم و هرچه ورق زدم      چیزی نبود غیرحجابی پس از حجاب

(دیوان امام، ص ۴۸).

همان‌گونه که پیشتر راجع به آن سخن گفته شد، غافل کردن جوانان و فریب، یکی از شیوه‌های دشمنان برای از خودبیگانگی و وابستگی است. از شیوه‌های دیگر دشمن از منظر امام (ره)، دور ساختن جوانان از فرهنگ اصیل اسلامی است؛ یعنی با فرو بردن جوانان در «جهالت و ناآگاهی نسبت به فرهنگ خودی و سرمایه‌های غنی معرفتی»، سبب غربال‌سازی فکر و اندیشه افراد و جهت‌دهی تک‌تک آنها به سوی آرمان‌های استکبار و واژگونی جلوه‌ها، چهره‌ها و آموزه‌های دینی در باورهای نیروهای خودی و انحراف همیشه آنان در مسیر مطلوب دشمن است.

در این رابطه امام درباره وظیفه جوانان هوشمند چنین می‌فرماید:

«فرزندان من! به آغوش اسلام برگردید و از فرهنگ غنی اسلام بهره بردارید». (پیام امام (ره) در آستانه ترک

تهران به قم، صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۶۵)

«در شناسایی اسلام بیش‌تر جدیت کنید، تعالیم مقدسه قرآن را بیاموزید و به کار بندید، با کمال اخلاص در نشر و تبلیغ و معرفی اسلام به ملل دیگر و پیشبرد آرمان‌های بزرگ اسلام بکوشید» (صحیفه امام، ج ۲، ص ۴۳۹).

از آن‌جا که ایجاد خدشه در آموزه‌ها، مقدمات و اصول سعادت‌آفرین دین و بدبین‌سازی و تهی کردن تمام گروه‌ها به خصوص جوانان به عنوان نیروهای پرنانرژی، توانمند و انقلابی، به نظام و رهبران و بزرگان دین و ملت و جداسازی آنها از آغوش پرمهر رهبران دینی و مسئولان و سران کشور همواره دو آرمان و هدف بسیار مهم و حساب‌شده دشمن بوده است، به همین علت امام با ادبیاتی که پایه آن براساس محبت، عشق و مهرورزی به همراه احترام و ارزشگذاری به جوانان است، با آن‌ها سخن می‌گویند و دل‌های آن‌ها را تسخیر می‌کنند.

«شما جوان‌ها... امید من هستید، نوید من هستید، امید من به شما توده جوان است، به شما توده محصل است. من امید این را دارم که مقدرات مملکت ما بعد از این به دست شما عزیزان بیفتد و مملکت ما را شما عزیزان حفظ کنید... شما جوانان برومند، شما محصلین ارجمند... در هر جایی از ایران که هستید باید بیدار باشید. با بیداری از حقوق خودتان دفاع کنید» (سخنان امام رحمه‌الله‌علیه در جمع فرهنگیان و دانش‌آموزان قم؛ صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۵۰-۳۵۳).

## نتیجه‌گیری

به هر حال طول دوره نوجوانی و جوانی و نوع مشکلاتی که نوجوانان و جوانان در جوامع پیچیده صنعتی و در فرهنگ‌های مادی‌گرا با آن مواجه‌اند، متفاوت از وضعیت اکثر نوجوانان و جوانان در کشور ما است. رنج غالب نوجوانان و جوانان ایرانی عمدتاً ناشی از کم‌اطلاعی والدین و بزرگسالان از طبیعت این دوره و مقتضیات آن، آینده مبهم شغلی و اجتماعی، ندانم‌کاری‌ها و سخت‌گیری‌ها و دخالت‌های بیش‌ازحد والدین و اولیاء مدارس و برخی گروه‌ها و نهادهای اجتماعی در زندگی آنها است. این دخالت‌ها با محافظه‌کاری‌های اجتماعی و روحیات و مصالح افراد و گروه‌های مذکور همخوانی دارد ولی به رشد طبیعی جوانان خدشه وارد می‌سازد و قدرت خلاقه و اعتمادبه‌نفس آنان را تضعیف می‌سازد و در مرحله وابستگی هویت ننگه می‌دارد. متأسفانه بسیاری والدینی که وابستگی هویت نوجوانان و جوانان را به خودشان نشانه رشد آنان تلقی می‌کنند. این در حالی است که هر نوجوان و جوانی باید در جریان رشد خود به صورت یک شخص مستقل و صاحب‌رأی و متمایز از دیگران درآید.

از سوی دیگر، در جوامع پیچیده صنعتی، که مادی‌گرایی و فردیت و فایده‌گرایی حاکمیت محض دارد و بیش‌تر نوجوانان از نظر شکل‌گیری هویت‌شان به حال خود رها می‌گردند و مداخله تربیتی سنجیده‌ای در مورد آنها به عمل نمی‌آید و پناه واقعی ندارند، فرآیند کسب استقلال به طول می‌انجامد. طول دوره نوجوانی بیش‌تر است، و انتقال فرهنگی نه به وسیله والدین و مریمان بلکه به دست دوستان کوچک و خیابان و رسانه‌های جمعی سپرده می‌شود و خودخواهی افراطی و فقر عاطفی نوجوانان نیز به وضوح به چشم می‌خورد. در این جوامع حقوق انسانی افراد، از این بابت که کسی مزاحم دیگری نباشد و هر شخصی هر کاری که می‌خواهد بکند، رعایت می‌شود اما از حرمت قلبی و کمک و راهنمایی انسانی در دلسوزی برای دیگران (جوانان) خبری نیست. این ویژگی‌ها، با نظام اقتصادی شدیداً استعمارگر کشورهای پیچیده صنعتی همخوانی دارد؛ ولی کاملاً به زیان رشد انسانی نوجوانان و جوانان است.

نتیجه کاربردی که از این بحث می‌شود این است که محیط اجتماعی - فرهنگی در خانه و مدرسه و جامعه، به جای مبالغه‌گری درباره «بحران نوجوانی» و شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت مشکلاتی که نوجوانان دچار آن می‌شوند، باید حساسیت بیش‌تری در مورد نقش مؤثر خود بر رشد عواطف و شکل‌گیری هویت نوجوانان و جوانان، نشان دهند تا گذار آنان از کودکی به بزرگسالی همراه با حفظ و تقویت سلامت روان‌شناختی و توانایی مسئولیت‌پذیری و ایفای صحیح نقش‌های بزرگسالی صورت گیرد.

ما امروز در جهانی زندگی می‌کنیم که ارتباطات اقتصادی، اجتماعی، علمی و فرهنگی فراگیر و اجتناب‌ناپذیری، تمام نوجوانان و جوانان ما را احاطه کرده است. دیدگاه‌های سنتی هنوز این باور را دارند که گویا می‌توان با جدا کردن فرهنگی نوجوانان و جوانان از فرهنگ‌های دیگر، سلامت هویت فرهنگی آنان را حفاظت کرد. چنین باوری در هیچ جای جهان موفقیتی نداشته است.

با حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی می‌توان در برخورد فرهنگ ملی با فرهنگ مسلط جهانی در سطح بین‌المللی و نیز در رابطه با فرهنگ‌های قومی یا فرهنگ ملی در درون یک کشور، بهترین شیوه را اتخاذ نمود

و آن این است که نه خود را جدا از فرهنگ‌های دیگر نگه داریم و نه دچار تسلیم و خودباختگی فرهنگی شویم؛ بلکه به ترکیبی پویا از تمام جوانب مثبت فرهنگ‌های بشری و با تأکید بیش‌تر بر فرهنگ خودی، هویتی را در نوجوانان و جوانان تقویت کنیم که با حفظ اصالت‌ها و ارزش‌های انسانی فرهنگ خودی قادر به تعامل مثبت و سازنده با تمام فرهنگ‌های دیگر باشند. این کاری است دشوار اما ثمربخش، و انجام کارهای بزرگ همیشه دشوار است؛ اما خردورزی، برنامه‌ریزی، پی‌گیری و تسلیم‌ناپذیری را طلب می‌کند.

امام راحل (ره) که انقلاب شکوهمند اسلامی ایران را با نیروی بیکران جوانان سرعت بخشید و فراگیر ساخت در گستره تنها ایران محدود نشد؛ بلکه تمام جهان را در نوردید و جوانان را شیفته خود ساخت. گرچه خود کهنسال بود، اما شناخت راستین او نسبت به جوانان و شیوه‌های شایسته وی در جذب آنها بدان حد مؤثر افتاد که چون اکسیری پربهاء آنها را دگرگون ساخت و آنان را عنصری پاک، الهی و نورانی ساخت. آنچه بدیهی است این‌که در تعالیم و آموزه‌های امام (ره)، نگاه به جوانان ایران به طور خاص و به جوانان به طور عام به عنوان انسان جوان، نگاه به فطرتی پاک، جسور و حق‌طلب بود و این رمز نفوذ و انتشار انقلاب اسلامی در خارج از ایران نیز بود. به گونه‌ای که حزب‌الله‌ها در لبنان و فلسطین و... در میان جوانان برای مبارزه با صهیونیست‌ها، جهانخواران، استعمارگران و مستبدان شکل گرفت و مبلغ اسلام در سراسر دنیا گردید.

Archive of SID

## منابع و مآخذ

### منابع فارسی

۱. خمینی (امام)، روح‌الله، دیوان امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲. صحیفه امام، (۱۳۸۵)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، ج ۴
۴. لطف‌آبادی، حسین، ۱۳۸۰، عواطف و هویت نوجوانان و جوانان، چاپ اول، تهران، سازمان ملی جوانان.
۵. لقمانی، احمد، ۱۳۷۹، جوانان و بینش‌های ناب، چاپ دوم، قم، سابقون.
۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۷.
۷. محدث قمی، سفینه البحار، ج ۲.
۸. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان‌الحکمه.
۹. روزنامه جمهوری اسلامی، ۵۹/۱۱/۲۳.

### منابع لاتین

1. Cofer, Applay (1980), "motivation, Theory and Research", wiley Eastern Limited, p. 677.
2. Harter s,s. (1990). "Self and identy development" In s.s Feldman & G.R.Elliott (Eds.) At the thresholds: The developing adolescent. Cambridge , MA: Harward university press.
3. Harter, s. stocker, T., & Robinson, N.S. (1996). The perceived directionality of the link between approval and self – worth: Reliabilities of a looking glass self – orientation among young adolescents. Journal of Research on on Adolescence, 6, 285-308.
4. wayment, H., & Zetlin, A, G. (1989). Theoretical and methodological considerations of self – concept measurement. Adolescence, 24 , 339 – 349.